

خسرو سیف، عضو جبهه ملی در گفتگو با «انتخاب» تشریح کرد:

روایتی ناشنیده از «پان‌ایرانیست‌های ژاپنی» در ماجرای جدایی بحرین از ایران

سرویس تاریخ «انتخاب» / فهیمه نظری: ماجرای جدایی بحرین از ایران، که گزارش آن را دولت هویدا به وزارت خارجه اردشیر زاهدی در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹ به مجلس برد و تصویبش را با اکثریت آرا گرفت، داغی است که هنوز پس از گذشت نیم قرن هیچ توجیه باریط و بی‌ربطی توان خنک کردنش را ندارد. آن روز در آن کورانی که هیچ سازمانی جرأت نطق کشیدن در برابر این تصمیم دستگاه حاکمه را نداشت، به گفته خسرو سیف، عضو فعال حزب ملت ایران در آن زمان، تنها اعضای این حزب بودند که به تندی به این ماجرا ناخند و پای تاوانش یعنی بازداشت و شکنجه هم ایستادند. مشروح گفتگوی «انتخاب» با خسرو سیف که عضو جبهه ملی و کمیته استقبال از امام نیز بود، را در ادامه بخوانید:

حزب ملت ایران یکی از احزابی بود که تندترین واکنش را به ماجرای جدایی بحرین نشان داد و چندین نفر از اعضای این حزب در همین رابطه دستگیر شدند، در این باره توضیح می‌دهید؟

بله، موقعی که در سال ۱۳۴۹ مسئله بحرین پیش آمد، ما در حزب ملت ایران اعلامیه‌ای اعتراضی صادر کردیم که منجر به بازداشت شماری از اعضای حزب ملت ایران شد. این اعلامیه [متن اعلامیه در انتهای مصاحبه آمده است - انتخاب] در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۴۹ صادر شد؛ یعنی چند روز بعد از این‌که اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه، گزارش اقدامات دولت را در مورد بحرین به مجلس برد و از تقاضای ایران از سازمان ملل برای کسب آرای مردم بحرین خبر داد، که چند وقت بعد به ارائه گزارش ساختگی نماینده سازمان ملل در بحرین انجامید.

چه کسانی پس از صدور این اعلامیه دستگیر شدند؟

در وهله اول یعنی یکی دو روز بعد از صدور اعلامیه چند تن از اعضای حزب از جمله داریوش فروهر، منوچهر احمدی، آقای محمدی و... بازداشت شدند.

شما در این زمان چه می‌کردید؟

من تهران نبودم، در اهواز یک کار اداری داشتم. اتفاقاً آقای فروهر یک نفر را فرستاد دنبال من منتها من گفتم کلاس دارم و نمی‌توانم کلاس را رها کنم. وقتی آمدم تهران آقای فروهر و آن چند نفر بازداشت شده بودند.

بعد از این قضیه ما در تاریخ ۲۱ فروردین اعلامیه مجدد دادیم [متن اعلامیه در انتهای مصاحبه آمده است - انتخاب]، پس از صدور اعلامیه مجدد، باز چهار نفر دیگر را بازداشت کردند؛ که عبارت بودند از: فرزین مخبر، منصور رسولی، دکتر نصرت‌الله جمشیدی و بهرام نمازی، قبل از دستگیری این چهار نفر، علی‌اصغر بهنام را، که تقریباً معاون آقای فروهر در حزب به شما می‌رفت، بازداشت کردند که این در پی شلوغی مدارس پایتخت بود. بسیار هم مرد جاافتاده‌ای بود و من شنیدم که ایشان را در اوین شلاق زده‌اند. جرمشان هم همین بود که به جدایی بحرین از ایران اعتراض کرده بودند. بعد از ایشان آن چهار نفر را گرفتند. در اعتراض به این بازداشت‌ها دفاتر ما در اروپا و آمریکا هم اعلامیه‌های مفصلی صادر کردند.

مراوده‌ای با فراکسیون پان‌ایرانیست مجلس که آن‌ها هم مخالف جدایی بحرین بودند، داشتید؟

آن زمان بر خلاف الان که هر جنس تقلبی را می‌گویند چینی است، می‌گفتند ژاپنی است. برخی هم در حزب ملت ایران به کنایه به این‌ها می‌گفتند پان‌ایرانیست‌های ژاپنی، چون از حزب ملت ایران انشعبا کرده بودند بر سر اختلافاتی که با هم داشتیم، به دربار نزدیک شده بودند و حتی به همین واسطه پنج نفرشان هم توانستند به مجلس راه پیدا کنند.

بعد از این ماجراهای بازداشت دوستان ما، یک روز من برای شرکت در مجلس ختم پدر یکی از دوستانم به نام دکتر کوثر به مسجد مجد رفتم، وقتی رسیدم، دیدم جای نشستن نیست، یک صندلی خالی در گوشه‌ای پیدا کردم، همین که نشستم دیدم بغل دست من آقای عاملی تهرانی، از اعضای فراکسیون پان‌ایرانیست مجلس، نشسته است. قبلاً بر سر همان جریانات حزبی که گفتم

سوء تفاهمی بین من و ایشان پیش آمده بود و تقریباً از سال ۴۰ با هم حرف نمی‌زدیم. آن روز وقتی نشستیم، دیدم ایشان برگشت به من نگاه کرد، سری تکان داد و سلامی کرد، گفت: «آقای سیف ما فکر کردیم شما را هم گرفتند.» گفتم: «من نبودم، اهواز بودم تازه از اهواز آمدم.» خلاصه وقتی مجلس ختم تمام شد، به اتفاق ایشان آمدم بیرون، پرسیدم: «کجا می‌روی؟» گفت: «مجلس»، گفتم: «شما را می‌رسانم.»؛ چون اختلافاتی با این‌ها داشتیم وقتی توی ماشین نشست گفتم: «آقای دکتر! بهترین فرصت پدید آمده که شما این مسئله استیضاح را دنبال بکنید و اگر بتوانید در این‌جا با ما هم‌صدا شوید می‌توانیم اختلافات گذشته را حل کنیم.» - این ماجرا بعد از نطق مخالفت پزشکیور با گزارش دولت درباره استقلال مجلس بود، گفت: «آره» و شروع کرد به تأیید کردن. خلاصه ما ایشان را دم مجلس پیاده کردیم، بعد در جلسات بعدی مجلس دیدم به جای پزشکیور آقای دکتر عاملی نطق می‌کند، و نه تنها چیزهایی می‌گفت که هیچ ربطی به صحبت‌های آن روز ما نداشت، بلکه می‌خواست نطق پزشکیور را هم در راستای رضایت سلطنت توجیه کند که «منظور پزشکیور این نبوده این بوده».

علاوه بر حزب ملت ایران و تا حدودی پان‌ایرانیست‌ها، احزاب دیگر زیرمجموعه جبهه هم ملی واکنشی به جدایی بحرین نشان دادند؟

من تا آنجایی که اطلاع دارم تنها سازمان سیاسی که به این ماجرا به شدت اعتراض کرد و اعلامیه صادر کرد حزب ملت ایران بود که در نتیجه ۹ نفر از اعضای آن هم بازداشت شدند.

محسن پزشکیور، لیدر فراکسیون پان‌ایرانیست در مجلس، در مصاحبه با ضیاء صدقی در تاریخ شغاهی‌هاروارد گفته است، پان‌ایرانیست‌ها در ماجرای جدایی بحرین مقاومت‌هایی را آغاز کرده بودند، خارج از مخالفت نمایندگان‌شان در مجلس.

بله به هر حال در سر ماجرای بحرین دوستان پان‌ایرانیست هم آرمان‌شان با ما یکی بود، بنابراین در بیرون، در گوشه و کنار تظاهراتی راه می‌انداختند و بلندگو گذاشته بودند، شعار می‌دادند و...

در ۲۴ اردیبهشت که در مجلس برای گزارش دولت درباره استقلال بحرین رای گرفته شد، ۴ نفر از پنج نفر اعضای حزب پان‌ایرانیست رای منفی دادند، اما آقای دکتر صدر رای مثبت داد، دلیلش را می‌دانید؟

علتش این بود که با شاه ارتباط مستقیم پیدا کرده بود، بعد هم رفت حزب ایرانیان را تشکیل داد.

در مورد نطق محسن پزشکیور در مجلس در مخالفت با گزارش دولت درباره استقلال بحرین، که به یکی از نطق‌های تاریخی مجلس تبدیل شد و هنوز هم شنیدنش برای هر ایرانی هیجان‌برانگیز است، ادعاهایی مطرح می‌شود، مبنی بر این‌که متن این نطق در وزارت امور خارجه تهیه شده بوده و... روایت شما از این ماجرا چیست؟

آقای ناصر انقطاع که در گذشته عضو حزب «پرچمداران پان‌ایرانیست» بود در آمریکا کتابی نوشته به نام «پنجاه سال با پان‌ایرانیست‌ها» ایشان در این کتاب نقل قول می‌کند از ایرج پزشکزاد - نویسنده رمان معروف دای‌جان ناپلئون در آن زمان کارمند وزارت امور خارجه بود - که این متن در وزارت امور خارجه تنظیم شده بود.

آن‌طور که انقطاع از پزشکزاد نقل کرده، محمود اسفندیاری، معاون اطلاعات و مطبوعات وزارت خارجه، از ایرج خواسته بود مطلبی را به صورت نامه تنظیم کند، پزشکزاد آن نامه را پس از وقت اداری به دفتر اسفندیاری می‌برد، وقتی در می‌زند، نقل می‌کنم از کتاب: «اسفندیاری لای در اتاق کمیسیون کذابی را باز می‌کند و بدان‌گونه که به پزشکزاد بفهماند نمی‌تواند به درون برود، از همان لای در، نامه را می‌گیرد و می‌گوید: بسیار خوب. شما بروید. فردا با هم صحبت می‌کنیم. ولی در همان زمان اندک، حس کنجکاو و روزنامه‌نگاری ایرج پزشکزاد کار خود را می‌کند، و از همان لای در نگاهی به درون می‌اندازد، و دو سه تن از کسانی را که توی اتاق سرگرم گفتگو بودند، می‌بیند که یکی از آن‌ها خسرو افشار، دیگری محسن پزشکیور، و سومی رضا قاسمی و یکی دو تن دیگر بودند که داشتند متنی را می‌خواندند. همچنین خود محمود اسفندیاری که رئیس آن کمیسیون بود، ایرج پزشکزاد می‌گوید: من همان زمان پی بردم که کمیسیون مربوط به مسئله بحرین است.»

این چیزی است که ایشان در کتابش نوشته. من نه تأیید می‌کنم و نه تکذیب؛ اما یک‌دفعه از رضا قاسمی هم در مصاحبه‌ای با تلویزیون بی‌بی‌سی سوال کردند که «آیا این درست است که شما متن این سخنرانی آقای پزشکیور را نوشتید؟» ایشان گفت: «نخیر»، اما در ادامه گفت: «یکی از آقایانی که

در وزارت خارجه بود و الان هم در تهران است، اسمش را لازم نیست ببرم، ایشان در کتابش به یک چنین چیزی اشاره کرده است... ولی به هیچ وجه صحیح نیست.» قاسمی می‌گفت: «من آقای پزشکپور را اصلا ندیده‌ام... آن نطق را تهیه نکردم و وزارت خارجه در تهیه آن نطق دخالت نداشت و...»

از این‌که بگذریم یک روز در همین تلویزیون‌های خارجی با دکتر مصطفی الموتی، نماینده مجلس در همان زمان، مصاحبه می‌کردند. از ایشان ماجرا را پرسیدند، خندید و گفت: [نقل به مضمون]: «شما چه صحبتی می‌کنید اگر غیر از این بود مگر پزشکپور می‌توانست در آن‌جا حرف بزند؟»

آقای زاهدی هم که جدیداً رگ وطن‌پرستی‌اش عود کرده و شروع می‌کند به صحبت کردن. به ایشان اعتراض کردند: «شما که خودتان وزیر خارجه بودید و گزارش جدایی بحرین را به مجلس بردید حالا چطور این حرف‌ها را می‌زنید؟» گفت: «اون موقع آلت فعل بودم.» به هر حال گفتم من نه تایید می‌کنم و نه تکذیب، ان‌شاءالله که این‌طور نبوده و پزشکپور خودش متن سخنرانی‌اش را نوشته باشد!

پی‌نوشت:

متن اعلامیه‌های اول و دوم حزب ملت ایران در اعتراض به جدایی بحرین

اعلامیه شماره ۱ - تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۴۹

پاینده باد ایران

هم‌میهنان

نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و پایمال شدن حقوق اساسی مردم به هیات حاکمه ایران این فرصت را داده است که بی‌اعتنا به خواست‌های ملی تنها برای ادامه زمامداری خود تن به هرگونه سوداگری سیاسی با هر بیگانه‌ای بدهد.

گزارش روز نهم فروردین ماه وزیر خارجه [اردشیر زاهدی - انتخاب] پیرامون سرنوشت «بحرین» به دو مجلس شورای ملی و سنا که کرسی‌نشینان آن‌ها خلق‌شده انتخاباتی نادرست و فرمایشی هستند و به ناچار نمی‌توانند عنوان نمایندگی ملت را داشته باشند نمونه آشکاری از طرح یک توطئه جدید علیه حق حاکمیت ملی ایران بود.

در زمان شکوفایی آیین ملت‌گرایی که مفهوم استقلال در یگانگی ملی و تمامیت ارضی تجلی می‌کند و در سراسر گیتی ملت‌ها برای زیست آزاد و پایان دادن به سلطه بیگانه سرسختانه تلاش می‌کنند، دولت گستاخانه به خود اجازه داده است که به جای کوشش هرچه بیشتر برای استیفای حقوق از دست رفته ایرانیان راه قانونی و منطقی حل مسئله بحرین را کسب تمایل باطنی و آمال واقعی مردم آن به وسیله سازمان ملل متحد اعلام نماید

بحرین سالیان دراز است زیر سلطه شوم امپریالیسم انگلستان و خاندان غاصب «آل خلیفه» قرار دارد و هرگاه مردم بحرین برای ریشه‌کن ساختن «استبداد و استعمار» به پا خاسته‌اند، به سختی سرکوب و گروه گروه از زادگاه خود آواره و یا به زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها فرستاده شده‌اند.

ایرانی‌های بومی بحرین و سایر ایرانی‌هایی که در پنجاه سال گذشته از کناره‌های شمالی خلیج فارس به این جزیره کوچ کرده‌اند از مدت‌ها پیش زیر فشارهای پلیس قرار گرفته‌اند و کوشش می‌شود که هرگونه پیوند آن‌ها با هم‌میهنان‌شان گسسته گردد. هم‌اکنون زندان‌های شیخ خودفروخته بحرین که ارتش اشغالگر بریتانیا پاسدار اقتدار مضطرب آن است انباشته از مبارزان ضداستعمار می‌باشد و حتی بعضی از این مبارزان به زندان‌های دورافتاده «سنت هلن» فرستاده شده‌اند.

در چنین وضعی چگونه سازمان ملل متحد که خود بارها دستخوش دسیسه‌های استعمارگرانه بر ضد حق حاکمیت ملت‌ها شده است می‌تواند خواست واقعی مردم بحرین را روشن سازد؟

حزب ملت ایران که همواره برای دست یافتن به استقلال کامل سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور کوشیده است اعلام می‌دارد: قرار و مدارهای دولت کنونی با امپریالیسم انگلستان با پادرمیانی سازمان ملل متحد نمی‌تواند اصل حق حاکمیت ملی را نادیده انگارد و بحرین برای همیشه ایرانی باقی خواهد ماند و پیوند جاودانه مردم آن با سایر ایرانیان گسستنی نیست.

در این هنگامه فضیلت‌سوز حزب ملت ایران از همه مردم، همه مبارزان ضداستعمار، همه حزب‌ها و سازمان‌های ملی می‌خواهد علیه این توطئه شوم بانگ اعتراض بردارند، باشد که با در هم شکستن آن خود سرفصل پیکاری گسترده‌تر برای رهایی ایرانیان از بندهای استعمار و استبداد گردد.

چهارشنبه دوازدهم فروردین ماه
یک هزار و سیصد و چهل و نه
کمیته مرکزی حزب ملت ایران

اعلامیه شماره ۲- ۲۱ فروردین ۱۳۴۹

پاینده باد ایران
هم‌میهنان مبارز

به طوری که اطلاع دارید کمیته مرکزی حزب ملت ایران طی اعلامیه‌ای به تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۴۹ پرده از نیرنگ‌های هیات حاکمه ایران در مورد بحرین برداشت و ضمن روشن کردن ماهیت این توطئه امپریالیستی به چنین روش ایران بر باد ده، اعتراض نمود.

حزب ملت ایران با آگاهی بر این امر که هیچ نیروی ملی و در خدمت آرمان‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه ملت ایران نمی‌تواند در برابر چنین توطئه‌هایی سکوت نماید، کوشید تا همه مردم ایران را با واقعیت این دسیسه آن‌طور که هست و نه آن‌طوری که «اردشیر زاهدی» وزیر خارجه خودفروخته حکومت از خلال کلمات آراسته، ولی دروغین به نمایندگان مجالس فرمایشی شورا و سنا اعلام کرد با ملت ایران در میان گذارد.

اما هراس دستگاه حاکمه ایران از این افشاگری و اعتراض موجب گردید که ماموران سازمان امنیت در ساعت ۱۰ بامداد روز دوشنبه ۱۷ فروردین ماه به خانه و دفتر حقوقی آقای «داریوش فروهر» دبیر حزب ملت ایران حمله بردند و مدت چهار ساعت به تفتیش اثاثه خانه و پرونده‌های موکلان و کتابخانه شخصی پردازند و پس از ضبط ده‌ها کتاب و ماشین‌تحریر دفتر، در ساعت ۲ بعدازظهر خود ایشان و «منوچهر احمدی» یکی از وابستگان حزب ملت ایران را بازداشت نمایند.

این چهاردهمین بار است که دبیر حزب ملت ایران به دلیل پایداری از نگاهداشتن سنت‌های ضداستعماری و ضداستبدادی نهضت ایران روانه زندان می‌شود.

هم‌میهنان

دستگاه حاکمه ایران می‌خواهد با قطعیت بخشیدن به جدایی بحرین از ایران، نهایت خوش‌خدمتی خود را به امپریالیست‌ها نشان دهد و در ازای آن حمایت امپریالیست‌ها را به ادامه زندگی ننگین خود جلب نماید.

در چنین هنگامه‌ای ضرورت مبارزه ضداستعمار و ضداستبداد بیش از هر زمان دیگر به چشم می‌خورد و اتحاد همه نیروهای ملی و معتقد به استقلال و آزادی ایران را ایجاب می‌نماید.

ما در این لحظات حساس تاریخی به وحدت عمل همه نیروهای ملی تأکید می‌کنیم و همه وفاداران به نهضت ملی ایران را به یک مبارزه خلاق بنیادی فرا می‌خوانیم. باشد که این وحدت توطئه‌ها را در هم بشکنند و راه آینده آرمان‌های ملی را گشایند گردد.

۲۱ فروردین ماه یک هزار و سیصد و چهل و نه
دفتر اروپایی سازمان برون‌مرزی
حزب ملت ایران